



29 دسمبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

من از مفصل این نکته مجملی گفتم تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل

رونق اقتصادی بی اساس و ناپایدار که در طول 20 سال گذشته با سرانجام شدن عالم اسعار از طریق پروژه های امداد و نیز مصارف قوای خارجی و دیگر کمک ها از یکطرف و فساد اداری، رشوه و قاچاق مواد مخدر و امتعه از طرف دیگر چنان تصور را بار آورد که گویا بطور کل یک نوع حالت رفاه و رونق نسبی در کشور به وجود آمده است. پیش گرفتن شیوه "اقتصاد بازار" موجب شد تا سرمایه ها برای گسترش تجارت و آنهم واردات بیشتر متمرکز گردد. ورود امتعه تجارتي با تنوع غیر ضروری به پیمانان زیاد از جمله لوزام تجملی خانه، ساختمان بلند منزل های بی اساس و درعین زمان نیاز به داشتن موترهای شخصی و غیره همانطوریکه توان خرید در بین طبقات بالای کشور به سرعت افزایش یافت، برعکس طبقات پایان جامعه را زیر فشار قرار داد. بازارهای این اموال نیز با گذشت هر روز داغتر گردید و بر حجم اقلام مصرفی از طریق واردات بطور سریع رو به صعود گذاشت؛ گدام ها دکانها مملو از مواد مختلف گردید و نیاز به داشتن موترهای شخصی و تلاش برای خرید آن چنان بالا رفت که شهر کابل در اثر وفرت موتر بیک شهر مزدحم مبدل شد که در اثر آن از یکطرف ترافیک شهری به بی نظمی شدید روبرو گردید و از طرف دیگر ضرورت به واردات تیل از خارج را بیشتر و بیشتر ساخت.

دولت نیز با دسترسی به پولهای کمکی به مصارف تجملی برای تهیه لوازم دفترها بطور بی سابقه پرداخت و حتی یک دفتر عادی در یک ولسوالی با فرنیچر ساخت خارج و رنگ طلائی به تقلید از دفاتر بزرگان مجهز شد. وقتی به دفاتر مقامهای متوسط و حتی پایان دولت نظر انداخته شود، چنان آرگاه و بارگاه معمول گردید که بیننده فکر میکرد در یک دفتر تشریفاتی پر زرق و برق در خارج پا گذاشته است. دفاتر و اطاقهای ریاست جمهوری و غیره به سویه قصر سفید تزئین گردید و تشریفات بطور عادی در داخل ارگ کمتر از قصر ملکه انگلیس نبوده است.

در کشوری که دخلش یک و خرجش ده است، سرنوشت آینده را میتوان به وضاحت مشاهده کرد صادرات کشور به مثابه یک و وارداتش از خارج معادل ده، این سؤال را مطرح می سازد که تا چه وقت این بیموازنگی فاحش بیلانس تجارت خارجی را از طریق تزریق اسعار کمکی مداوا کرد؟ مدعیان قدرت در این چند دهه باید به این عملکرد شرم آور خود اعتراف کنند که نخواستند در پی پر کردن این خلاء و نقیصه برآیند و نتوانستند این کم خونی مزمن را مداوا کنند و اقتصاد وطن را به موازنه بکشانند. تاچه وقت به تن بیمار مصاب به کم خونی، باید هر روز خریطه های خون تزریق کرد؟ باید کاری صورت میگیرد که وجود خودش قادر به تولید خون در بدن می شد!

به هر حال این سؤال پیدا میشود که این همه تجملات ظاهری برای چه؟

این وضع ما را به یاد ضرب المثل قدیمی می اندازد که گفته می شد: «عروس از گلاب کوچه، اما جهز و جوره اش از ایران و توران!» (گلاب کوچه یکی از کوچه ها فقیر نشین شهر قدیم کابل بود)

آیا کسی فکر کرده بود که این همه تجملات یک روزی و آنهم در ظرف چند ساعت یکدم از رونق می افتد و مثل یک "پوقانه" با تماس به یک سوزن به یک توتّه رابر تبدیل میگردد؟

بلی با سقوط نظام در ظرف چند ساعت و آمدن طالب ها همه این ها به مثابه یک رؤیا تبدیل شد و کابوس وحشتناک ترس و هراس از آینده جای آنرا گرفت. صاحبان آرگاه و بارگاه چه دولتی و چه شخصی و خصوصی یکدم فرار کردند و جایداد ها بی صاحب گردید، بازارها به رکود مواجه شد، و مردم نیز از تجمل گرایی که در چند سال اخیر با آن رو آورده بودند، اکنون با این دلهره مواجه شده اند که نان شب و روز را چگونه بدست آورند؟

تماشای صف مردان بیکار اعم از پیر و جوان در کنج و کنار سرکها با امید یافتن کار و تهیه یک لقمه نان صحنه هایی تأثیر انگیز از ناامیدی و سرگردانی مردم ربیبان میکند. بازار امتعه کساد شده و نرخ دالر به مقایسه افغانی به سرعت صعود نموده و از یک دالر به 78 افغانی با آمدن طالب ها به بیش از 110 افغانی بالا رفته، بانکها دچار کمبود نقدینه شده و صف مشتریانی برای برداشت پول شان از بانکها طولانی گردیده و ذخایر اسعاری بانک مرکزی که قبلاً با حراج دالر نرخ تبادل اسعار را بطور مصنوعی تحت کنترل قرار میداد، نسبت منجمد شدن یک قسمت اعظم این ذخایر در بیرون کشور و وضع قیود برای استفاده از آن، فشار بیشتر را بر بازار اسعار و بلند رفتن نرخ تبادل دالر و افغانی طوری وارد کرده که حالت روانی بازار را برای آینده بسیار نامطمئن ساخته است و مردم می کوشند تا برای اطمینان از آینده، پول خود را به اسعار بخصوص به دالر تبدیل نموده و آنرا به اصطلاح عوام در زیر تشک های خانه پنهان نمایند و از دوران بیرون کنند. تموج بالا رفتن نرخ اسعار بر قیمت مواد وارداتی شامل همه اقلام به شمول مواد خوراکی اثر منفی گذاشته و موجب بلند رفتن قیمت ها و نیز احتکار مواد گشته است.

امارت طالبان نیز در این حال به این نظر است که «روزی دادن به مردم کار خدا متعال است، نه کار دولت» و آنها با این احساس اصلاً در فکر مردم و فقر روزافزون طبقات نادار نیستند و بجای آن دامن "دین" و عبادت را که یک موضوع شخصی است، گسترده ساخته اند و سخن از جبری ساختن نماز، گذاشتن ریش و زندانی ساختن زنان در کنج خانه بسیار فراوان است و طالبان باردیگر قدم بقدّم همان تجاویز دوره ملا صاحب محمد عمر را بالترتیب در پیش گرفته اند.

اینکه اوضاع کشور به کجا و به کدام سو میرود، معلوم نیست، اما زنگ های خطر از همین حالا سخت به صدا آمده و نشانه های فلاکت و مصیبت را در فاصله های نزدیک آشکار می سازد. جامعه جهانی با آنکه رژیم امارت را هیچ یک تاحال به رسمیت نشناخته است، ولی نگرانی آنها بخصوص در زمستان جاری و افزایش فقر و سوء تغذی مردم نگرانی زیاد را بار آورده است.

این همه پریشانی ها یک مقدمه ای تأسف انگیز از حال وطن بود که مرا وداشت با مطالعه گزارش ذیل در مورد کساد شدن بازار موتر فروشی ها در لوگر که امروز در روزنامه هشت صبح به نشر رسیده است، نگرانی خود را از آینده وطن بطور کل و با اختصار تمام بیان دارم و خواستم این گزارش را به حیث یک مثال و نمونه خدمت علاقمندان تقدیم دارم تا خود بخوانند حدیث مفصل از این مجمل:

جمعه بازار لوگر؛ یکی از بزرگترین مراکز فروش موتر در خطر سقوط قرار دارد

نویسنده: زبیر عباسی

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

شماری از تاجران و سرمایه‌داران در ولایت لوگر می‌گویند که کاروبارشان حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد افت داشته و با ۴۰ الی ۵۰ هزار دالر سرمایه، بیش‌تر شب‌ها بدون درآمد و یا کاسبی به خانه می‌روند. برخی این سرمایه‌داران که فروشنده‌گان موترند، می‌گویند که کاروبارشان در «جمعه‌بازار» لوگر، یکی از بازارهای مشهور موتر در کشور، تا ۷۰ درصد افت داشته و با خطر سقوط مواجه است.

ذکرالله، صاحب یکی از موترفروشی‌های شهر پل علم، مرکز ولایت لوگر است. وی از پانزده سال به این‌سو مصروف موترفروشی است. ذکرالله در موترفروشی‌اش حدود ۱۵۰ هزار دالر امریکایی سرمایه‌گذاری کرده است. وی در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که پس از سقوط نظام پیشین، کار آنان حدود ۷۰ درصد کاهش یافته است و در صورتی که وضعیت بهتر نشود، احتمال دارد که کار موترفروشی را کنار بگذارد. او تصریح کرد: «از چهار ماه به این‌سو کاروبار ما خوب نیست؛ حتا بیش‌تر موترفروشان از مجبوریت موتر خود را تا ۴۰ درصد ارزان می‌فروشند، چون کار نیست و بیش‌تر مردم به هدف ترک وطن، موترشان را می‌فروشند تا خارج بروند. من با سرمایه ۱۵۰ هزار دالر احساس بی‌کاری می‌کنم، چون روزانه عایدی نداریم و نه هم کاری کرده می‌توانیم. موتری که به شش هزار دالر خریده بودیم، حالا به چهار هزار هم فروخته نمی‌شود.»



جمعه‌بازار لوگر، فروش و رونق سابق خود را ندارد. کمتر کسی پیدا می‌شود که از روی شوق موتر بخرد. یک تعداد افراد هم که به این جمعه‌بازار می‌آیند، برای فروش موتر به دلیل نیازمندی به پول نقد است. ذکرالله می‌گوید که جمعه‌بازار لوگر مانند گذشته نیست و حالا موترفروشان از مجبوریت در این بازار حاضرند و موترهایشان را ۴۰ درصد ارزان می‌فروشند تا نیازهای اولیه خانواده‌های خود را تامین کنند. او خاطرنشان ساخت که بیش‌تر روزها یک افغانی هم درآمد ندارد.

حنیف سلطانی، یکی دیگر از موترفروشان لوگر، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت که هفت ماه می‌شود چهار موتر را خریده است، اما حالا با ۴۰ درصد تخفیف هم موترهایش به فروش نمی‌رود. سلطانی افزود: «من پانزده هزار دالر خود را در کار موترفروشی سرمایه‌گذاری کرده‌ام. اکنون

حاضر تمام موترهایم را به نصف قیمت بفروشم، ولی مشتری دل خوش نمی‌کند و نه هم کسی در فکر موتر است. مردم نان خوردن ندارند، وضعیت مردم روزبه‌روز در حال خراب شدن است.»

با سقوط حکومت پیشین، تنها کار فروش موتر با چالش مواجه نشده است، بل عمده‌فروشان مواد غذایی نیز می‌گویند که فروشات‌شان تا ۶۰ درصد کاهش یافته است.

عزیزالرحمن، عمده‌فروش مواد غذایی در شهر پل‌علم، به روزنامه ۸ صبح گفت که کارهای آنان هم مانند دیگر بازرگانان تا ۶۰ درصد کاهش یافته است و در برخی روزها آنان حتی نمی‌توانند پول نان چاشت‌شان را به دست بیاورند. وی افزود: «در کاروبار همه تغییر آمده، از کراچی‌وان تا سرمایه‌دار و دکان‌دار. دلیل این‌ها، نبود کنترل نرخ‌ها از واردکنندگان است. باید طالبان بر مسایل اقتصادی توجه جدی کنند، چون روزبه‌روز وضعیت اقتصادی مردم خراب می‌شود.»

این عمده‌فروش مواد غذایی تصریح کرد که در حکومت فعلی نرخ دالر ثابت نیست و روزبه‌روز در حال افزایش است. به گفته او، با بلند رفتن بهای دالر، قیمت مواد خوراکی هم بلند می‌رود.

در همین حال مسوولان محلی طالبان در لوگر همواره به مردم در قسمت اشتغال‌زایی و بهبود وضعیت اقتصادی اطمینان داده‌اند، اما تا هنوز کار عملی در این راستا انجام نشده است. (پایان گزارش آقای زبیر عباسی - منتشره روزنامه ۸ صبح - مورخ ۸ جدی ۱۴۰۰)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکي په خیر و لولئ